

نور و نور

اداره جریده علیه نور و طهران
حکله سنگی گذر در خانقاه
کلیه امور اداره بامد کل ناظم الا
این اداره و دیگر امور کاظم خا طیب کوفه

حکله جوی و توزیع داره امت قیمت سالانه
داره و در نه در پادشاه بانی و جریده
یکشنبه ذی الحجه الحرام ۱۳۲۲ هجری
نوشته شایسته ۲۲ مارس ۱۹۰۳ مسیحی

در این جریده مطالب اجماع مدارس و علمای و ادبیه و سیاسی و فواید عامه نوشته میشود هر نوع مطالب و
اعلام مفید بحال ملک متنا با دولت ملک بشکلی بنده و مجا نا طبع میشود ما بهی چنانچه طبع و توزیع میشود
مرا سلاطین که حاکمان و معلومین باشند از درگاه دولت و شایسته است قیمت شش ماه یک مظالم میشود در سال و در
بر عکس صفا انکس و در ده خواهد شد اسامی شکر کنندگان در هر جریده خواهد شد

فهرست متدیر حاکم

تشکر مسئله صریح لغات
حالت زمین قصا فرزند را خدای میجهت
محررین اثبات حجت مدارس لزوم سلطنت
قائم حکومت کرمان جدول

(تشکر)

بنام خدای جهان آفرین
زمانه بحال مملکت ما کمان میگردند که دولت
در حال دولت مانع تره ملت اند و اقدامی در
تعبیر مملکت و مملکت نمیکند و حال آنکه با این کمان

فاسد و این ظن کاسد خود را از تره خواها داشت
و در و شنید و ان ملت میداند چه هنو ندانسته تره
چهره و تمدن یعنی چهره نمیشناسند این گروه جو خضرین
و مقصدین و سفهاء چه تا کون آنچه اضلاعی در
مملکت شده بواسطه دولت بوده و تریقه که حاصل
شده با اقدام اولیاء دولت و بدایت بوده واضح
دو شش اشکر میل مبارک اعظم حضرت شاهنشاه
دو بخیر اله العناء و خاطر شریف حضرت شاهنشاه عظم
همواره مقصود در استقامت تمدن بوده اند و مملکت
ار بکه سلطنت بقید و مقلد سیر این سلطان عاد و غیر

خواه مفتخر و منزه گوید که چقدر کار داناتی و علو
و صنایع بالا رفند است

از جمله ما تر این عهد جاوید مهند و واج بازار علوم
مدا و س و جراید است خصوص طلوع نور و ز که بعد
آنکه اداره جليلة و دارن مطبوعات دارالترجمه بود
و ریاست خرابد رحمت بهو نبض شد بحضرت سلطان
آقای ندیم السلطان که فضل و دانترا رایج و فاضل
واهل نبش از مروج اند این خادم شهر بجزا ماذون

بخاز فرمودند باطنها و خدمت بدو که ملک بایتکه مطا
علمیه را که در کتب مداوله و در جواب منتشره بالسنه
مختلفه سطور است با آنچه که از افواه رجال اخذ شد
بر این بار بیفلسفه بسیار شاخه از اطراف بطول
به سوط خود رساند امید است که ذره از خدمت خاد
شهرت مقبول اند در عین علیّه مقدس شاهنشاه
وسله سنه اقدس ظل الله اسلامیا را پیا و ابرائنا را
امیدگاه السلطان الاعظم و الخاقان المعظم ابوالنصر
والظفر السلطان مظفر الدین شاقا جارا دام الله ظللال
دولت ظهور دولت سیدنا و مولا ناجم القام بالحق

امام العصر علی الله فرجه

(مسئله ششم)

در و اوجب کما هی الف رسم کنند تا فرق باشد میاج
و مفرد پس این الف علامه است از بر و اوجب لا آنکه
گاهی در مفرد مضاع از ناقص و ا الفی در و ا و رسم
اند و روقی است که اداره کنند بنا لغه و تکرر در فعل
مثلا شکو ابی و حوزی الى الله و مثل یلو اعلیهم آیات
رسم الف داین و ا و بر 4 تشبیه بر و ا و است و ا و جمع

(لغات از نمونه اول)

۱۲- الشعب بقرین یعنی پراکنده بعضی بیکو
گویند و این غلط است ۱۳- التهج بفتح راه و
و بقرین غلط است ۱۴- الذبح بالکسر باید بچ
و کفن بعضی وقع ذبح الغنم بکسر غلط است
۱۵- روطه باضم صحیح است بفتح غلط است
بعضی بفتح مجمع البحرین بفتح الحاء است ۱۶-
نبحه بضم بفتح شبکی است که در دست گیرند و
متعارف است کفن بعضی بفتح غلط است ۱۷-
شیخ کبر اکویند که گذشته باشد از عمرش

وگمان بعضی که آمده است که لغت برخی معنی کثیرالن
 کثیر المال کثیر العلم کثیر القبله کثیر الاولاد و کثیر المال
 ۱۸- بر دفتح معنی کهنه است منته قطعه بود و بضم غلط
 ۱۹- جعل ففتح است منته جدا الشعر و بضم غلط است
 ۲۰- فضله را اهل لغت ففتح ذکر کرده اند و احلا بضم
 تکلفه است مرکب شاد و ضعی ۲۱- معان معنی مشهور
 در عا و را ث غلط است و صحیح در این مقام معقولا
 عجل است و صاحب منتهی الاربعه در معنی استعفا
 این لفظ را استعمال کرده با اینکه ماخذ صحیحی از برای
 نیست مگر اینکه بگوید این لفظ غیر عربی است ۲۲-
 موعود در مقام دعوت ذکرش غلط است و صحیح درایه
 مقام مدعو است (بقیه دارد)

کوتب من از مرصه

دویم از دلایل کوتب من است اندازه ظل منبر است
 بر صفحه قرص ما در اوقات خسوف این امتحان را صحیح است
 سیم از دلایل کوتب من هر شیا خاند است
 محیط منبر که ابتداء از نقطه هموار بیک طرف توجیه
 نموده اند تا بمبدع حرکت رسیده اند اولی که

باین قصد از او با حرکت کرد (مازلان) سیما مغرب
 بود که انا سپا بنولد رسالت امین در عهد مثال کن
 با سکه شش دو بغیر حرکت کرد است کشتی (مازلان)
 (ویکوار) (کون پیستو) (سنت تمبلیه) اذامیا تو
 اطلس عبود کرد با سکه عجب و رسیده آنوقت و بجنب
 آمد تا آنها را بر یکا رسیده پس و بغیر بازنگه مشهور
 عبود نموده داخل اقیانوس کبر شد همسطور و بغیر
 باز محسنا بنلای زیاد رفت با لاجره بخواب و پسین رسیده
 و آنجا در جزیره ماتان کشته شد و همراهانش همسطور
 و بغیر باز آنجا خاج طاقت آمدند و از چها کشته شدند
 و یکوار با ممانند که از راه دماغه مبدع و با سپا بنولد
 مراجهت کرد و صوتی که از اول تا آخر تمام و بغیر حرکت
 کرده بود و در و که رسیده در دو نامه (بی کافنا)
 و در چها شنبیسم سپتا مبر معین بود و صوتی که در
 فرنگ آن روز و در پی شنبیسم میدانشند و آنوقت
 بجهتها مینمودند مثل اینکه ما حال تعجب میکنیم و بی
 یقین است چون حرکت آنها متصل و بغیر بود و آنها
 هر روز و در از و سابق و بیکر و لهذا این روز

اوردند بعد از ما از آن دیگر مردم متعلقه فی الذکر و گفتند
و الحال امر که ملاحق چند مرتبه در کوه و امنه تواند
بگردد (بقیه دارد)

قضا از نظر اصرا

قاضی لا اقل باید دوازده علم را دارا باشد
اول علم لغت عرب در هر علم صرف بیستم علم اشتقاق
چهارم علم نحو پنجم علم اعراب ششم علم منطق
هفتم علم معانی و بیان و تدبیر (علم بیان بمعنی اتم)
هشتم علم حساب نهم علم هجئت دهم علم کلام
(حکمت الهی) یازدهم علم اصول دوازدهم
علم فقه

چند علم دیگر هم بطور اختصار اولاً لازم است که علم
اصول و فقه و کلام بدانند اگر ما تقدم نباید اجتهاد کرده
باشد نه اینکه تعلیم بداند (بقیه دارد)

فرق بین اخباری و مجتهد

اول آنکه مجتهد واجب بینداند اجتهاد را با وجوب عینی
یا تحقیق و اخباری اجتهاد را حرام بداند مرحوم
فضل در این مقام عبارتند که فیض فرماید نه مجتهد

و نه مفلسف نه مقلد و نه منصوب بلکه تابع قرآن و
اهل بیت در هر مجتهد ادله را چنان میداند که کتاب
سنة اجماع و دلیل عقل اخباری مختصم و دو میداند
کتاب سنة نایسته فقط بیستم مجتهد جایز میداند
علی بطن را در نفس حکم شرعی و اخباری اعتماد نمیکند
مگر بر علم لکن علم نزد ایشان قطعی و واقعی و عادی
و اصل است چهارم مجتهد اخباری را چنان قسم میکنند
اخباری دو قسم صحیح و ضعیف پنجم مجتهد اخباری
چهارم قسم میکنند بهمان تقسیمی که در کتب کرده اند
و اخباری نمیکویند خبر صحیح آنکه محض باشد بقرائن
باعث شود علم یابد و در آن معصوم و ضعیف سواد
این است ششم مجتهد حصص میکند مردم را در دو صنف
مجتهد و مقلد اخباری نمیکویند مردم باید مقلد معصوم
باشند هفتم مجتهد واجب میداند در حل جهات
در زمان عینیت و اخذ معصوم را در زمان حضوری
میکویند و اخباری که مطلقاً اگر چه بواسطه نباید
ششم مجتهد جایز میداند قوی دادن و اذن اجراء
امو حسیب را مگر از مجتهد اخباری نمیکویند جایز است

از برای زاری که مطلع باشد بر احکام معصومین
 بجهت قائل است باینکه بجهت مطلقا است احکام الله
 بواسطه ملکه اخباری که بگوید عالم با حکما نیست که معصوم
 درجه بجهت شرط میداند که استنباط علوی چند اخبار
 شرط نمیداند مگر معرفت با صلاحا اهل بیت را
 یا درجه بجهت عمل نمیکند در مقام ترجیح بین اخبار متعارف
 بهر چه موجدین اجتماعی است اخبار عمل نمیکند
 مگر بر تکی که از معصوم رسیده باشد در نزد
 آنکه بجهت عمل نمیکند بطواهر الفاظ مطلقا الدلالة
 و اطلاقات بلازمات بمفاهیم غیرها اخبار عمل
 نمیکند مگر با آنچه موقوف الدلالة نباشد (بقیه دار)

(مخبر عین از نمرة اصرة)

۱۸- اول کسبیکه اختراع صابون مؤسلمان پیغمبر
 ۱۹- مخترع کاغذ حضرت ابو سف بود ۲۰-
 اول کسبیکه در اسلام در کاغذ کتابت و حجاج بن یوسف
 ۲۱ اول کسبیکه خربرمادیان کشید و طر عمل اهل
 فریدون بود ۲۲ اول کسبیکه فغان را
 در اسلام قرار داد پدید بود ۲۳-

اول کسبیکه اختراع نمود کفش را حضرت ابراهیم بود
 ۲۴ اول کسبیکه بر اسب سوار شد حضرت ابراهیم بود
 ۲۵ اول کسبیکه مضامین نمود نیز آنحضرت بود
 ۲۶ اول کسبیکه خشنه کرد نیز آنحضرت بود
 ۲۷ اول کسبیکه سفره ضیافت اگستر و دینای
 مهمانی گذارد نیز آنحضرت بود
 ۲۸ اول کسبیکه در فارسیه شعر گفتن برام کور بود
 ۲۹ مخترع امانه بقرط بود که از کلاغ اخذ نمود
 ۳۰ سکینه بر بنی و اختراع نمود
 ۳۱ ضاء الشجر را نیز ساخت
 ۳۲ اول کسبیکه در اسلام گم کرد و قرار داد مغوی بود
 ۳۳ اول کسبیکه در جهان شهر بنا کرد که مرث بود
 ۳۴ اول کسبیکه از پیتم و کور و نجاره کلم ساخت نیز بود

(اشیان عجبت از نمرة اصرة)

و آن کتابی که مذهب بر همینان از قبیل کتب سماوی
 است کتابی در دوزخ زمین نزدیک آید میان اقدار آنست
 و ایشان مهتاد بود و امنیه یعنی بنی مبدانند و دهم
 شهادت حایمان است در کتاب خود که پیش از حضرت

مسیح و خاتم علیهما السلام از طوفان نوح تا طوفان
آینده همه را بضوابط بخوبی بیان نموده و تمام اخبار
او بر طبق اخبار اتفاق آمده و در تفسیر هیچ بودن
دو بیت حضرت خاتم المرسلین از نسل دخترا و و شهادت
اقام حسین و ظهور دولت صاحب الامر بعد از غیبت
و خروج دجال نموده است و در کتب ایشانیان در
اذهان حاضر بر زبان لغات است لهذا بقول
صاحب ترجمه اکفای نمود (بقیه در آخر)

(ملازم از نمره اصل)

تایید آنکه ایرانیان از زمان گذشته علم و دانش را
دادا بودند چون مروجی نداشتند کمتر اقامت نمودند
ایشان محمد الله که این دولت بر وی کج این شاهنشاهی را کما
تکمیل و در آن شهر کس اندکی تا ملایم نایبند اندک
عرض ما را تا زمان او شهر و آن و پرویز که ایران از هفت
بر سار دلو مرتبه اشته از زمانیکه عربیستون
بریم و ایرانیان بشر فاسلام مشرف شدند که کثیر
کتابخانهها ایشان را آتش زده و پراکنده و محو نمودند
اما... باز در مقام علم و دانش بودند اخبار و کتب

از پیغمبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان دین در تخریب
و ترغیب پیر و دانش سپید در کتب و کتب و کتب
و مشغول بفضیلت علم و علماء ملایم که قبل از دلو
صفویه نباشد است الان موجود ملایم که سابق را
مکاتب و تمام ایران نباشد و از هر مد رسه هر سال
جمع فارغ تحصیل خارج میشوند و لا تعد و لا تحصر
پس بر عهده نگارنده اش شرح این تاریخ این مکاتب که
با این وضع مرتب شده در ذیل خلاصه ظاهر آن میخواند
پناه مدرسه معتبر بود که در هر مدرسه از ده نفر
الحاصل نظر طلاب تحصیل فاضل که اگر درین علم نیاز داشت
استاد و الیوم مشغول تحصیل و بعضی بدینجهت
و گروهی قریب با جهاد و اکثر از دولت و پادشاه و وظیفه
بعضی از مدار سر که نگارنده دیده و در آنها برآمد
و تدوین میفرموده با اهلش وارد شده ذکر میکنم که در
خارج بلدانند از خبری نشده الا تکمیل و اصلاح و تسبیح
دایره تمدن و علم انشاء الله سابر مدارس قدیم ایران
تبع خواهد شد و عدد ملایم و سجد و شرک هر یک فصل است و
آمد

(صوت مدرسه قدیم)

(روز ساطن قاهر از نمره اص ۱)

پیرا که آنها بمقتضای طبایع و مقاصد خود و اکتفا
 شوند هر یک یکدیگر را مثل سیاه و سفید و سیاه و سفید
 بافتا یکدیگر مشغول میشوند و غافل از هر چه در نظام
 محفل میباشد و اندک بکمال بصر و نور از نور میباشند که بواسطه
 هر یک از منزه که مستحق آنست دارد و قانع گردانند
 بحق خود در این مازد و دست نعل و تصرف و داد
 حقوق مرا بیکدیگر کونا کنند و بشعاع که مناسب یکدیگر
 است مشغول دارند و این نوع از تدبیر معنی بسیار است
 پس نصیب خود را انقباض و اطاعت نمودن مرسلان و
 پادشاهان که متکفل بر این نوع از تدبیر میباشند و هر یک
 لازم و آرد باین حکم عقل و قیاس بر آید و حق میباشند
 و متفق علیه تمام است شاهد بر مملکت و مملکت بر مملکت
 است و جواب خوارج که میگویند که حکم الله فرمودند که
 نعم لا حکم الا لله و لکن هو لاء یقولون لا امره و لا بد من امره
 برة او فاجرة یعمل فی انزله المؤمن و یتبع فیها الکافر
 و یتبع الله فیها الاجل و یجمع بها الحق و یقینند
 بها العدو یا من بها السبیل و یؤخذ بها الضعف

(مد و شه خان کرمی) (مد و شه صد) (واذا الشفاء)
 (مد و شه منبر) (مد و شه حکیم) (مد و شه علیا)
 (مد و شه عبد الله خان) (مد و شه معنی) (اصفیه)
 (کاظمیه) (عسکریه) (شاهزاده خا) (حاج جعفر)
 (میرزا رضا) (چال خا) (سپهسالار) (ناجیه)
 (وکیل الملک) (مجدالدین) (قزلباشان) (حاج بوالفتح)
 (امامزاده زید) (کاظمی) (ذاتی) (پاکستان) (وین)
 (هرزازی) (یونس خان) (میرزا عبد البرکات) (سید علی)
 (مد و ملک) (حاج سید علی) (میرزا علی) (آقا علی)
 (مد و سرور) (امین الدین) (سپهسالار) (چال خا)
 (معا و نایب) (سراج الملک) (خان الملک) (شیخ عبد بن)
 (مشیر السلطنه) (محمد بن) (میرزا موسی) (ملا آقا رضا) (آقا)
 (سید الدین) (سید موسی) (نظام الدین) (امام) (مد و ملک)
 بعضی دیگر از مملکت که کارند ندیده و ثبت کردند
 این مملکت را که محل تحصیل اشخاص است از خارج مملکت
 وارد میشوند بجهت تحصیل و الا اهل مملکت اکثر در خارج
 مملکت و شخص خود مشغول تحصیل علوم میشوند و اگر از
 اهل علم از این مملکت میباشند (بقیه دارد)

من القوي حتى يستريح بربو استراح من فاجو
 يعني بله نسبت حکمی مکرر از برای خدا و هر حکم
 که غیر از حکم خداوند است باطل و زایل است لکن
 مراد این گروه نه اینست بلکه میگویند که مردمان
 امیری و مایهی در کار نمیشناسد و باید که در
 جمیع مورد رجوع بقرآن کرد و حال آنکه مردمان را
 ناکر نیست اما در این میری و سلطنت سلطان
 خواه آنکه آنمارت و سلطنت بطریق بنیکو
 و خوب بوداری یا بطریق زشت و بد گردد آن
 باشد تا آنکه عمل و کار خود را بنماید و داماد
 و سلطنت او مؤمن و بر خوردار بگردد و فایده
 ببرد کافرو تا آنکه برساند خداوند در آن
 امادک و دوائام آن دولت هر چیز بر آید
 خودش و جمع نموده بشود بواسطه آن
 امادک غنیمت و فواید و مقالعه نموده بشود
 بادشمن و امن بگردد راهها و کوفته
 شود حق هر ضعیفی از آنکه قوی نمیشوند
 تا آنکه استراحت بیابد و آسوده بگردد

مؤمن و بنیکو کار و آسودگی حاصل شود مردمان
 از فاجو و بد کردار و مؤمنین و بنیکو کاران با هم
 معیشت معاد و دین خود (بقیه دارد)

(حکومت کرمان)

جناحه لاسلام آخوند ملا علی اکبر بن محمد کرمان که از
 قول علماء انساب استمد بر و با نقود علم و زهد مسلم
 محل و ثوق و اعتماد و احوال و ثوق و ثوق شرح
 حال از آنجا برادر و لکن العلماء مفصل در و ثبت کردم
 این شخص مختصر شرحی از کفایت و حسن سلوک و محاسن امارت
 است که در کتاب و کتاب و مرفوعه که در کتاب آینه خوانند
 آمد (بقیه دارد)

تاریخ	تاریخ	تاریخ	تاریخ
۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰	۱۳۳۰
مرهای فوق العاده	۸	۸	۸
مواسات معتمد	۸	۸	۸
۱۳۳۱	۸	۸	۸
	۸	۸	۸
	۸	۸	۸
	۸	۸	۸
مواسات معتمد	۸	۸	۸

اداره
 طهر
 کتبه
 آب
 طب
 فرمان
 ه
 مان
 از
 تصد
 لغات
 اثبات
 قضاء
 سیاست
 بر
 احوال